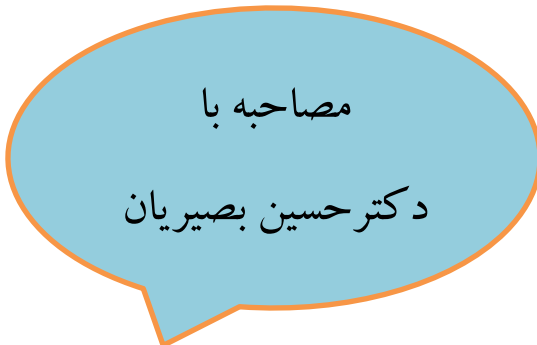




فکر را ای جان به جای شخص دان
زان که شخص از فکر دارد قدر و جان



موضوع مصاحبه: معرفی کتاب آموزش سواد رسانه‌ای اثر بلینها دو آبرو،

ترجمه دکتر حسین بصیریان چهرمی

سؤال ۱. اهمیت و هدف از انتخاب این اثر برای ترجمه چه بوده است؟

همان‌طور که در دیباچه اثر آمده است، این کتاب با عنوان آموزش سواد رسانه‌ای، نوشته خانم بلینها دوآبرو، از مدرسان برجسته یونسکوست و بیشترین آثار وی در حوزه سواد رسانه‌ای متمرکز بوده است.

سؤال ۲. ویژگی خاص این ترجمه چیست؟ و چه تفاوت‌هایی با ترجمه‌های دیگر در این حوزه دارد؟

درباره این کتاب می‌توان گفت راهنمای عملیاتی در حوزه سواد رسانه‌ای است که هم‌اکنون در ایالت‌های مختلف کشور آمریکا تدریس می‌شود. فراتر از آن، در این کتاب با ۱۷ فصل روبه‌رو هستیم که ۱۰ فصل آن نظری و ۷ فصل آن کاربردی و کارگاهی است.

سؤال ۳. بلینها دوآبرو، نویسنده کتاب در مقدمه ویژه بر ترجمه کتاب، چه اهداف و نکاتی را مدنظر قرار داده است؟ توصیه درباره اهداف کتاب، این است که بیش از ۳۰ نفر از معلمان، کتابداران تخصصی، متخصصان علوم ارتباطات و مدیران برنامه‌ریزی آموزشی که اسامی آنها در کتاب آمده است، به‌طور مستمر مشارکت داشتند. این کتاب علاوه بر اینکه ماهیت عملیاتی، کاربردی و کارگاهی دارد، اصول نظری سواد رسانه‌ای را هم در خودش گردآوری کرده است. دوآبرو، نویسنده کتاب، بنیانگذار گروهی بین‌المللی تحقیقات سواد رسانه‌ای است که در واقع سمپوزیم این حوزه در بخش بین‌الملل محسوب می‌شود.

سؤال ۴. معرفی اجمالی از اثر می‌فرمایید؟

در پاسخ سؤال قبل توضیح مختصری درباره پیشینه نویسنده کتاب دادم. اما درباره معرفی اجمالی این اثر، همان‌طور که قبلاً گفتم کتاب دو بخش دارد: ۱. بخش نظری؛ ۲. بخش عملی. بخش نظری، شامل ده فصل است که عبارت‌اند از:

۱. فصل اول: به سواد رسانه‌ای به‌مثابه کلید تفکر انتقادی پرداخته است؛

۲. فصل دوم: هم‌گذری سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی را به‌عنوان دو سرفصل مهم یونسکو، تأکید کرده است؛

۳. فصل سوم: چشم‌اندازها، ادراک و دیدگاه را به بحث گذاشته است؛

۴. فصل چهارم: از منظری جدید اخبار جعلی و واقعیت‌های جایگزین را مطرح می‌کند؛

۵. فصل پنجم: شهروندی دیجیتال، حوزه خصوصی و راهبری دیجیتال را مطرح کرده است؛

۶. فصل ششم: سواد دیجیتال؛

۷. فصل هفتم: فن‌آوری به‌مثابه ابزار؛

۸. فصل هشتم، انصاف درمقابل برابری، و تفاوت‌هایی که این دو مفهوم به‌لحاظ نظری با یکدیگر دارند را بررسی کرده است؛

۹. فصل نهم: اتصالات جهانی؛

۱۰. فصل دهم و آخرین مبحث نظری این کتاب، به عدالت و حمایت اجتماعی پرداخته است.

هفت فصل در بخش دوم، قالب‌های اصلی رسانه را به‌مثابه درس‌هایی آماده برای آموزش تنظیم و تدوین کرده است. مزیت هفت فصل دوم کتاب این است که به‌شکل کارگاهی، دانش‌آموزان مقطع دبستان تا دبیرستان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

سؤال ۵. مخاطبان اصلی این کتاب چه کسانی هستند؟

مخاطبان این کتاب فقط دانش‌آموزان دبیرستانی نیستند، بلکه برای مقطع دبستان هم به‌تناسب کاربرد دارد.

سؤال ۶. به نظر شما چرا سواد رسانه‌ای مهم‌ترین مهارت قرن بیست‌ویکم، به‌ویژه برای قشر نوجوان و جوان است؟

استفاده‌ای که این کتاب و این مجموعه آموزش‌ها، به‌ویژه در هفت فصل انتهایی می‌تواند به این قشر سنی دهد، افزایش تفکر انتقادی و سواد دیجیتال است و فهم آنها از خبر درست، خبر واقعی و خبری که اصطلاحاً فیک نیوز یا خبر جعلی شناخته می‌شود.

سؤال ۷. در این کتاب، مهارت‌هایی که برای داشتن سواد رسانه‌ای به آن نیاز است، در قالب چه دستورالعملی بیان شده است؟

این مهارت‌ها در بخش دوم کتاب که به‌صورت عملی و کارگاهی است، مبسوط بیان شده است.

سؤال ۸. با گستردگی و انتقال اطلاعات در جهان امروز و به‌اشتراک‌گذاری در فضای مجازی، آموزش سواد رسانه‌ای به چه منظور باید در اولویت ملی قرار گیرد؟

از ریسک‌های بزرگ جهانی **dis-information** و **mis-information** یعنی اطلاعات نادرست و اطلاعات دروغ یا سوءاطلاعات است. کتاب پیش رو، آموزه‌ها و سرفصل‌هایی برای آموزش این حوزه به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد؛ به زبانی ساده‌تر از آنچه که ما در دانشگاه تجربه می‌کنیم و این امر می‌تواند کمک‌کننده باشد.

سؤال ۹. این کتاب به‌عنوان راهنمای عملی تدریس سواد

رسانه‌ای تدوین شده است. به عبارتی هر درس شامل اهداف، مطالب، ارزیابی و بازخورد است؛ در این باره توضیح می‌فرمایید؟

همان‌طور که گفته شد، این کتاب دارای دو بخش نظری و عملی است و بخش عملی که شامل ۷ فصل است، به‌عنوان راهنمای کاربردی و کارگاهی است. این فصول به‌ترتیب عبارت‌اند از:

- فصل یازدهم، ارائه آموزش سواد رسانه‌ای در کتابخانه مدرسه و کلاس درس را به بحث گذاشته که دانش‌آموزان می‌توانند براساس پایه تحصیلی‌شان و متناسب با آن، به‌صورت تیمی گروه‌بندی شوند و هر قسمت را به‌عنوان پروژه یا تکلیف کارگاهی در دستور کار قرار دهند؛

- فصل دوازدهم، تلویزیون، اخبار، کم‌دی موقعیت و درام مستند را بحث می‌کند؛

- فصل سیزدهم، درباره فیلم به‌مثابه یادگیری و سرگرمی صحیح است؛

- فصل چهاردهم، روی عکاسی، تصاویر و ثبت چگونگی لحظات متمرکز شده است. در این فصول ژانرها هم با تغییر می‌کنند؛ یعنی در فصل یازدهم، ما از آموزش کلی سواد رسانه‌ای در مدرسه، به فصل دوازدهم: تلویزیون، فصل سیزدهم: فیلم، فصل چهاردهم: عکاسی و فصل پانزدهم: مثلاً موسیقی که یکی از عناصر مهم ساخت برنامه‌های رادیویی است، در کنار رادیو رسیدیم؛ یعنی موسیقی و رادیو را باهم آورده است؛

- فصل شانزدهم، به تبلیغات "advertisement" رسیده؛ (فروختن و گفتن: say and tell)؛

- فصل هفدهم هم به تولید رسانه‌ای و فراواری‌های دیجیتال توجه و تأکید کرده است؛

- بخش آخر هم منابعی برای آموزش سواد رسانه‌ای است و پی‌افزودها و ایندکس‌ها را آنجا اضافه کرده است.

سؤال ۱۰. این کتاب چقدر می‌تواند به آموزش کلیدی تفکر انتقادی و سواد دیجیتال به‌منظور تشخیص محتوا و اخبار جعلی از حقیقی و شناخت منابع رسانه‌ای مطمئن کمک کند؟

این کتاب و این مجموعه آموزش‌ها، به‌ویژه در هفت فصل انتهایی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا تفکر انتقادی و سواد دیجیتال خود را افزایش دهند. همچنین می‌توانند خبر درست و خبر واقعی و خبری که اصطلاحاً فیک نیوز یا خبر جعلی است را تشخیص دهند. این نوع اخبار که یکی از مهم‌ترین مسائل امروز، یعنی ۲۰۲۴ است و به تازگی وارد آن شدیم، کماکان از ریسک‌های بزرگ جهانی dis-information و misinformation است؛ یعنی اطلاعات نادرست و اطلاعات دروغ یا سوءاطلاعات. بنابراین، این کتاب، آموزه‌ها و سرفصل‌هایی برای آموزش این حوزه به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد که به زبانی ساده‌تر از چیزی است که ما در دانشگاه تجربه می‌کنیم و این امر می‌تواند کمک‌کننده باشد. در پایان این نکته را بگوییم که سریال‌های تلویزیونی که شاید ارزش تماشا و تحلیل را داشته باشند، به‌ویژه فیلم‌های سینمایی که در اینجا آمدند، عمدتاً از آثار پربیننده و جشنواره‌ای است. از این‌رو، دیدن یک‌بار آنها برای برخی از دانش‌آموزانی که به این حوزه بیشتر علاقه‌مندند، می‌تواند مفید باشد. برحسب علاقه‌مندی، برخی دانش‌آموزان

در موسیقی توانمندترند، برخی در عکاسی، برخی در تولید محتوای دیجیتال، برخی در گیم یا بازی بازسازی یا gamification. آنها می‌توانند در هر کدام از این ژانرها، سواد رسانه‌ای خود را براساس سلسله‌مراتبی که در این کتاب آمده تعمیق و تقویت ببخشند.

سؤال ۱۱. با توجه به اینکه نویسنده، کتاب را برای آموزش دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی نوشته است، آیا این ترجمه را به‌عنوان بخشی اساسی از نظام آموزشی کشورمان برای تدریس در مدارس پیشنهاد می‌کنید یا نیاز به تغییرات و بومی کردن آن است؟

طبیعتاً کتاب‌های ترجمه که برای دانش‌آموزان خارج از کشور نوشته شده، تفاوت‌هایی به‌لحاظ فنی و شاید فرهنگی داشته باشد و در واقع این انتظاری که حتماً منطبق بر سلاقی و نیازهای ماست، در متون ترجمه‌ای مردود است. اما بایستی گفت چون مباحث سواد رسانه‌ای در غرب بیشتر تجربه شده است و این تجربه وقتی که در اخبار و تلویزیون و کم‌دی و موقعیت درام در فصل دوازدهم می‌رسد، شما می‌توانید علاوه بر اینکه یک برنامه خبری ۳۰ دقیقه‌ای از مثلاً باکس‌ها یا بخش‌های خبری صدا و سیما را دانلود می‌کنید و آن را به بحث می‌گذارید. این customize کردن یا بومی‌سازی کردن آن خبر و بسته خبری برای کاربری است که در ایران آن را استفاده می‌کند. پیشنهاد می‌دهم بخشی که به‌عنوان اخبار جوانها در شبکه ۲ سیما با سردبیری متخصصان این حوزه در معاونت سیاسی و خبر سازمان صدا و سیما برای نوجوانان تنظیم شده، مبنای عمل قرار بگیرد. اینها چیزهایی است که مدرسان سواد رسانه‌ای در عمل با آن روبه‌رو هستند

و انتظار هم می‌رود که انجامش دهند.

مثلاً وقتی به فصل سیزدهم می‌رسیم که یادگیری و سرگرمی صحیح است با معرفی تاریخچه تصاویر متحرک، طبیعتاً پویانمایی‌هایی را می‌توانیم مثال بزنیم که در ایران گوی سبقت را از سایر آثار ربودند. اینها را به‌عنوان نمونه‌هایی برای تحلیل و نمایش در کلاس‌های درس معرفی کنیم. همچنین وقتی به ستارگان سینما می‌رسیم، می‌توانیم آن افراد را از داخل کشور خودمان معرفی کنیم تا مثلاً نمونه‌های غربی که با فرهنگ ما سازگاری ندارند. مثلاً در کتاب به چارلی چاپلین یا خبر اشاره شده که نماد فیلم‌های صامت و از بزرگترین هنرپیشه‌های تاریخ است یا فیلم ولگرد را مثال زده که حتماً توصیه می‌کنم سکانس‌هایی از آن را ببینید. جایی مرلی مونرو که نماد جذابیت‌های جنسی است، نویسنده آن را نقد می‌کند و پخش آن را برای دانش‌آموزان زیر ۱۶ سال مثرثمر نمی‌بینند که این نشان می‌دهد که مدرسان این حوزه با این آگاهی و دانش و با این دستور کار آشنا هستند. همچنین سوپرمن یا من ربات هستم؛ اینها فیلم‌هایی است که در فرهنگ ما، در جاهایی حاوی درصدی از خشونت یا هیجان‌های فزاینده است و برای رده‌های سنی زیر ۸ سال یا زیر ۱۳ سال مناسب نیست که آنها را به رده سنی دیگری منتقل می‌کنیم. به‌همین ترتیب، درباره عکاسی وقتی از دسته‌بندی جوایز پولیتزر مثال می‌زنیم، این جوایز ممکن است شامل عکس‌هایی باشد که شاید بازنمایی و نمایش آن در کلاس برای همگان مناسب نباشد. اینها به‌لحاظ ریتینگ سنی می‌تواند مدنظر قرار بگیرد، اما به لحاظ کپشن‌نویسی و نحوه نگارش و عنوان‌بندی عکس‌ها از یک قانون واحد ژانر و

گونه تبعیت می‌کند. این نمونه‌ها، هم در فصول بعد، مثلاً فصل پانزدهم که درباره موسیقی و رادیو است قابلیت پیاده‌سازی دارد و هم در زمینه شناخت انواع موسیقی‌ها از قبیل: پاپ، کانیتتری، هیپاپ، کلاسیک، راک، موزیکال و... گفته می‌شود. ما برای ارزیابان برنامه‌ها در سازمان صدا و سیما هم که بخشی از دغدغه حرفه‌ایم است، این دوره‌ها را داریم. به‌عبارتی افراد باید این آموزش‌ها را ببینند که انواع موسیقی را بشناسند. حتی ما باید هفت دستگاه موسیقی سنتی خودمان را نیز بشناسیم و چه بهتر است گوشه‌هایی از موسیقی را هم، به‌لحاظ شنیداری تمرین کنیم که ذائقه موسیقایی ما با آنها آشنا باشد و گوش ما بتواند انواع و اقسام موسیقی‌ها را تشخیص دهد و تمایز بگذارد. ملزومات آموزشی می‌تواند براساس تیپولوژی و جنسیت دانش‌آموزان و رده تحصیلی‌شان تغییر کند و طبیعتاً این ملاحظه را همکارانم در تدریس خواهند داشت. از این‌رو، این سیاست‌گذاری و این نوع استخدام کردن محتوا برای تدریس می‌تواند کمک‌کننده باشد.

مصاحبه‌کننده و پیاده‌سازی و ویراستاری

نرگس رحیمی